

دست کم برای دوطرفی که دیوار داشت، از ملزومات کرسی نشینمی بود. زمستان ها، توی خانه ماسه تا کرسی برپا می شد، یکی توی اتاق زاویه دو تا توی شاه نشین. کرسی اتاق زاویه از سه سو به دیوار می رسید و تکیه گاه چهارم را با مخته های سنگین فرشی ساخته بودیم. آن قدر سنگین بودند و پرزیشان به پره های خود فرش گیر می کرد که تکان نمی خوردند و به راحتی، می شد بهشان تکیه داد. به آن ها می گفتیم پشتی رستم. شرف امکان بالمکین و هر طرف سرفقلی داشت؛ بدین معنا که جای آقا جان، خانم و دیگر اعضای خانواده مشخص بود؛ بالای کرسی، کنار در یا جایی که پشتی نداشت؛ البته هر کدام از این جاها مرابا و معایب خودش را داشت؛ برای نمونه، جای من بالای کرسی اتاق زاویه بود و اگر شب ضرورتی پیش می آمد که از اتاق بیرون بروم، باید مراقب می بودم که کسی را لگد نکتم.

### ❖ کرسی، هسته ای گرمابخش

یکی دیگر از پیش نیازهای کرسی هسته گرمابخش آن بود. در قدیم، به دو صورت گرما را سامان می دادند. اولی چاله کرسی بود که شاردن در دوره صفوی، آن را چنین شرح می دهد: «در تک اتاق های مخصوص نشیمن زمستانی گودالی به عمق ۱۵ یا ۲۰ شست و بنایه وسعت اتاق به قطر شش یا هفت پا حفر می کنند، وقتی بخواهند آن را گرم کنند، مقداری آتش کاملاً فروخته یا اگر در چاله میان حفره می ریزند و برای اینکه آتش دوام بیشتر کند، رویش را با قشری از خاکستر می پوشانند. وقتی هوا گرم می شود نیازی به کرسی نباشد، آن را برمی دارند و چاله و جای کرسی را پر از خاک می کنند و رویش را فرش می گسترانند؛ چنان که جای آن ناپیدا می شود. سال بعد هنگام زمستان، خاکها را بیرون می کنند و کرسی را به جایش می گذارند.» در برخی مناطق ایران، مانند خراسان منقل سفالی درست می کردند و به جای چاله توی زمین می گذاشتند. گاهی هم از یخش پایینی خم ای بزرگ استفاده می کردند؛ یعنی خمی را که آسیب دیده بود و به کار نمی آمد، با اره از وسط می بریدند و قسمت پایینش را با قدری بازسازی به جای منقل در زمین می گذاشتند یا مثلاً در زجان، کرسی را روی تنور نان می گذاشتند. روش دوم گذاشتن منقل وسط پایه های کرسی روی یک سینی مسی یا رویی بود. منقل کرسی مدور بود نه مثل منقل کباب پزی چهار گوش، روی فلز آن هم نقش هایی داشت. زغال و کانون آتش را میان خاکستر می گذاشتند. این آتش در طول شبانه روز کم کم، به زغال ها سرایت می کرد و در نتیجه، کرسی همیشه گرم بود. اگر گرمای کرسی زیاد می شد، با انبر یا کف گیر کوچک فلزی آتش را با خاکستر می پوشانند تا از گرمای آن کاسته شود و آتش بیشتر زیر کباب خستر بماند. اگر هوا سرد بود، خاکستر را کنار می زدند تا آتش گل کند. زغال کرسی از نوع مخصوص کباب و قلیان نبود و به آن خاکه زغال می گفتند که باید در فصل گرما، آماده می شد و خشک می بود؛ وگرنه دود می کرد. در چله زمستان، که هوا سردتر می شد، از تویی استفاده می کردند که گرمایی دوچندان داشت و آتشش پردوام تر بود؛ تویی خاکه زغال شسته و به صورت گلوله درآمده و در آفتاب خشک شده بود. اگر رطوبت داشت؛ نه تنها گرمای بیشتری تولید نمی کرد که حتی ممکن بود دودش خفگی را سبب شود. آن سال ها، هراژگاهی، در روزنامه و خیرها از خفگی زیر کرسی می نوشتند که سبب اش همین زغال نیم سوخته بود؛ می گفتند:

افلاقی را کرسی گرفته. - خلاصه که گلوله تویی را وسط منقل می گذاشتند و آتشی را که با آتش چرخان مشتعل شده بود، در اطراف گلوله می ریختند و با خاکستر آتش قبلی آن را می پوشانند. هر روز از آتش روز قبل استفاده می کردند و خاکه زغال جدیدی ریختند که به آن خاکه روزغال می گفتند. زغال ها را در خانه جایی انبار می کردند که به آن کنه می گفتند و اولیای پاییز از خاکه زغال پرش می کردند. کنه به تعبیر همدان، قسمتی از بستوی زیر زمین یا مطبخ یا صندوق خانه بود که «در پیش آن، دیوار چاهی کشند و در آن زغال، هیمه، پهن و امثال آن ریزند». گلوله های خاکه زغال را هم که در جعبه های چوبی بود، کنار همین کنه می گذاشتند. خاکستر زغال برای شستن ظرف ها، به ویژه شفاف کردن وسایل و ظروف شیشه ای و فلزی هم به کار می آمد. یکی از یاری رسانی های مرسوم اهدای حواله های خاکه زغال بود که هر حواله ۲۰ کیلومی شد. آن وقت ها، روبه روی ضلع شمالی پامنا، کنار مغازه های لبنیاتی و برنج فروشی ها، کوچه زغالی بود که زغال فروشی ها در آنجا قرار داشت. انواع محصولات لبنی و برنج و زغال را از لوبانات و شمال می آوردند و در اینجا می فروختند. در خیابان دمانود هم کارگاه های تولید زغال بود؛ همچنین دوطرف پل چوبی چوب فروشی هایی بودند که از خرده چوب های شان برای تولید زغال استفاده می شد. نزدیک میدان پایین تجریش، ابتدای جاده قدیم شمشیران (شریعی کنونی) هم کوچه زغالی بود که هنوز هم بین اهالی شمشیران به همین نام خوانده می شود.

### ❖ کرسی، جای خوبی برای نگه داری آجیل شب یلدا

قدیم ترها، بعضی غذاها را زیر کرسی می پختند. مثلاً خورش را می شد زیر کرسی کنار منقل بار گذاشت. آن قدر گرم بود که انگار غذا آنجا بهتر جا می افتاد تا روی چراغ خوراک پزی. حتی می گفتند زیر همین کرسی دیزی کاملاً پخته می شود و چون حرارت کند جوش است، غذا لذیذتر هم می شود. صبح بارش می گذاشتند برای شب که برمی گشتند خانه. جعفر شهری می گوید، این کار را بیشتر خانواده های فقیر می کردند. آن ها برای بیشترین استفاده از آتش، قلابی از وسط سقف کرسی، آویزان و غذا را بر آن سوار می کردند. باین روش، دیگر لازم نبود اجاق خوراک پزی را هم روشن کنند؛ البته، هیچ وقت نمی شد برنج را کرسی پلو کرد؛ چون حرارت منقل آب را جوش نمی آورد یا نمی شد با آن ماهی سرخ کرد. این روزها آجیل را در فریزر نگه می دارند تا خشک بماند؛ اما آن سال ها، به جز غدا، کرسی جای خوبی برای نگه داری آجیل شب یلدا و نوروز هم بود؛ به ویژه در مناطق شمالی، که رطوبت اش را می گرفت و گرمای مطبوعی پیدا می کرد. کرسی همه را جمع می کرد دور هم و افزون بر تأمین گرما در زمستان، کانون خانواده هم گرم می شد. یکبار مادر

### کرسی فرهنگ خاص

#### خود را داشت:

#### به ویژه در مناطق

#### روستایی ایران، هم

#### برای خود کرسی، هم

#### برای شب های بلند

#### زمستان. شب یلدا

#### اوج رخنمایی کرسی

#### بود که همه دورش

#### جمع می شدند و

#### انواع جو زقند و آجیل

#### شیرین یا مشکل گشا،

#### لواشک و آب ترشاله

#### (آب برگ هلو بود

#### و در لیوان بزرگ

#### بلوری) و بامیه یا

#### شیرینی های خانگی

#### مخصوص منطقه خود

#### را می خوردند؛ بامیه

#### نه از جنس بامیه ماه

#### رمضان، بلکه بامیه

#### قرمز رنگ دایره شکل

#### که توی مجموعه ای

#### مسی و کنگره دار

#### می آوردند

آقا جان در جمع ما زیر کرسی نشسته بود. خانم کسالتی داشت و مادر ایشان هم که صبح رفته بود، دوباره از راه رسید و جمع مان کامل شد. این مادر بزرگ گفت: «سکه شاه ولایت هر جا که رود باز پس آید» و آن مادر بزرگ را در آغوش کشید و دعوتش کرد زیر کرسی. از بخاری هم خبری نبود. مزه اش این بود که در هوای سرد تا خرخره، زیر کرسی باشی و حیانا، کلاهی هم بر سر بگذاری. عمو جانم زیر کرسی می نشست و نفس را که بیرون می داد، جلو دهانش بخاری درست می شد که طولش می شد واحد سنجش سرمای هوا. عمو می گفت: «احمد جان بین هوا چقدر سرد شده»، هر چند ما زیر کرسی احساسش اش نمی کردیم. یکبار شبی زمستانی با قطار می رفتم سفر که آقا جان گفت: «اگر توی این بیابان که برف همه جا را پوشانده واگتی شیشه های بود که وسطش کرسی می گذاشتیم، خیلی خوب می شد.»

### ❖ شب یلدا اوج رخنمایی کرسی

کرسی فرهنگ خاص خود را داشت؛ به ویژه در مناطق روستایی ایران: هم برای خود کرسی، هم برای شب های بلند زمستان. شب یلدا اوج رخنمایی کرسی بود که همه دورش جمع می شدند و انواع جو زقند و آجیل شیرین یا مشکل گشا، لواشک و آب ترشاله (آب برگ هلو بود و در لیوان بزرگ بلوری) و بامیه یا شیرینی های خانگی مخصوص منطقه خود را می خوردند؛ بامیه نه از جنس بامیه ماه رمضان، بلکه بامیه قرمز رنگ دایره شکل که توی مجموعه ای مسی و کنگره دار می آوردند. از بین شیرینی های آن شب پشمک برای ما چیز دیگری بود، در جعبه های چوبی نازک سفید و یا کاغذ روغنی شفافی که رویش را پوشانده بود. خوردن پشمک سخت بود. می ریختیم اش روی سینی و با سر استکان فشارش می دادیم و هر قالی که درمی آمد، سهم یک نفر می شد. انار، هندوانه، ازگیل، خرما، لوبو، انگور و آونگی، که در انبارهای سرد از سقف آویزان می کردند و گاهی در کیسه پارچه ای می گذاشتند تا از گزند حشرات در امان بماند و تنقلات دیگر هم بود و بدین ترتیب، عملاً جایی برای شام نمی ماند؛ به جز چیزی مانند کدو حلوایی، اشکنه، کله جوش، شامی و انواع آش و از این قبیل. تا دیروقت شب شعر خوانی بود، خاطره گویی و کپ و گفت.

### ❖ شعر خوانی کنار کرسی در شب یلدا

شاهنامه خوانی و حافظ خوانی سرگرمی این شب های سرد بود. تنها کتابی که خانم از دوران مدرسه تا کنون نگه داشته، دیوان حافظ جیبی با خط نستعلیق است که هنوز هم شب های یلدا از رویش می خواند. در این شب، هدایایی هم برای نوزوسان تدارک می دیدند و به خانه شان می فرستادند که به جز کله قند و نبات، یکی همین دیوان حافظ بود. چه بسیار شاعران و نویسندگانی که با تأثیر پذیری از همین فرهنگ شعر خوانی کرسی به راه ادب رفته اند؛ از جمله آقای فتح الله جغتایی که می گفت در کودکی، در زمستان های فراهان، زیر کرسی به حافظ و شاهنامه خوانی پدرش گوش می سپرده است.

آقای عطاردی هم که اهل قوچان و اشعار بسیاری از شاهنامه را از بر بود و آثاری درباره آن نوشته است، از مجالسی می گفت که دور کرسی برای دیگران شاهنامه می خوانده است. آقای حسن انوشه، که اهل بابل بود، می گفت که دور کرسی، طوفان الیگام می خواندند.

البته آن سال ها، کتاب های دیگری هم می خواندند. بعضی کتاب ها مذهبی بود مانند همین طوفان الیگام میرزا ابراهیم مشهور به جوهری که مرثی شهادی کربلا بود یا روضه الشهداء کاشفی سبزواری که اصطلاح روضه خوانی برگرفته از نام این کتاب است؛ یعنی این کتاب روی منبر خوانده می شد. خواندن این کتاب ها، به ویژه اگر شب یلدا با ایام سوگواری مصادف می شد، روح بیشتری داشت. قصه های عامیانه هم خوانده می شد؛ مثل حسین کرد شبستری که از دوره صفویه در ایران رونق داشته یا امیر ارسلان نامدار که به روایتی، نوشته یکی از دختران ناصرالدین شاه است و به روایت دیگر، نوشته میرزا محمدعلی نقیب الممالک شیرازی که شبها آن را برای قبیله عالم می خوانده است تا خوش بخوابد یا داستان های عاشقانه مثل بهرام و گل اندام یا داستان های پهلوانی و عیاری مثل مسک عیار یا داراب نامه طروسوسی که شرح زندگی آدمها بود و کارهایی که نمی توانست واقعی باشد. در بسیاری از مناطق کوهستانی و سردسیر ایران، عمر کرسی حتی تا میانه اردیبهشت هم می رسید و سفره هفت سین هم روی همان کرسی شب یلدا پهن می شد. اگر رمضان به فصل کرسی می افتاد، افطاری و سحری هم دور کرسی بود. آن وقت سماور و سینی و جامپای کوچک زیر شیر سماور، که معمولاً برنجی بود، روی کرسی جامی گرفت.

### ❖ کرسی جایی در خاطرات نسل جدید ندارد

نسل جدید دور کرسی جمع نشده و به جز آنچه از خاطرات نسل گذشته شنیده است، حتی تصویری از آن ندارد. می ماند تک و توتک همین خاطرات یا صحنه هایی به یادگار از چند فیلم. یکی از معروفترین این صحنه ها در فیلم سوت دلان علی حاتمی است که داستانش در زمستان می گذرد و در نماهای بسیاری کرسی در پس زمینه دیده می شود. در مجموعه رویش هم تنگ آب و ظرف غذا و میوه قرار دارد و اعضای یک خانواده قدیم تهرانی حتی مستأجرشان (با نقش آفرینی خانم فخری خورش) گردش جمع می شوند و شام می خورند. در فیلم کمال الملک هم صحنه ماندگاری هست که مظفرالدین شاه (با بازی علی نصیریان) زیر کرسی بزرگ ملوکانه ای نشسته است و آن طرفش، کمال الملک (با بازی زنده یاد جمشید مشایخی) دیوان به دست، غزلی از حافظ می خواند؛ با این بیت مشهور «یدی آن قتیقه کیک خرامان حافظ / که ز سرپنجه شاهین قضا افتار بود»، که شاهنشاه به تائبک اعظم است که در این صحنه، از شاه اجازه سفر حج می خواهد؛ اما از طریق روسیه. می گویند ناصر طهماسب صداییشه نقش شاه برای تقلید صدای مظفرالدین شاه، بارها، صدای برجامانده از او را گوش داده بود و با همان لحن و لهجه او به تائبک می گوید: «از آن راه به خدانمی رسی، به خانه خدا شاید.»

### آگهی فقدان سند مالکیت

متقاضی، نرجس آخرتی سپس مالک رسمی آدرس: تهران، شهرک شریعی، خ شهید محمدی، ک ۷۹، ب ۶۱ با تسلیم دو برگ استشهاد صدق به شماره ۴۲۵۸۵۵ مورخ ۱۳۰۲/۸/۲۴ و دفترخانه ۴۰ ری به شرح وارده ۲۴۰۳۳۱۶۰ مورخ ۱۳۰۲/۹/۱۳ اعلام نموده که شش دانگ یک قطعه زمین نوع ملک طبق به پلاک ثبتی ۱۶۸۱ فرعی از ۱۱۳ اصلی، مفروز و مجزاشده از ۴ فرعی از اصلی مذکور، قطعه ۱۵۳۲ واقع در بخش ۱۲ ناحیه ۰۲ حوزه ثبت ملک شهری استان تهران به مساحت ۸۰ مترمربع و مالکیت نرجس/آخرتی سپس فرزند خیراله شماره شناسنامه ۲۹۹۸ تاریخ تولد ۱۳۲۸/۰۱/۰۱ صادره از دبستان دارای شماره ملی ۱۷۲۸۳۲۴۶۶۵ مالک شش دانگ عرصه و اعیان جایی ۹۰۹۶۲۰ با شماره دفتر الکترونیکی طبق ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می شود تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای کرده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.

گیرندگان رونوشت:  
۱- جهت اطلاع به ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) ۰۱۰۲-۱۰۲۰۱۰۲ کل تحقیق و استرداد بنیان مستضعان  
م الف: ۸۹۸

## تجدید فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای

نوبت دوم

شهرداری بم در نظر دارد مناقصه عمومی زیرسازی و آسفالت تکمیلی معابر خاکی محله شهرک زمیندگان (مرحله سوم) مربوط به بافت ناکارآمد (طرح بازآفرینی) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس: [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

▶ برآورد اجرای کار مبلغ ۹۲۳.۹۲۷.۳۴۵.۳۲۵ ریال براساس فهرست بهای راه، راه آهن و باند فرودگاه سال ۱۴۰۲ می باشد.

▶ مدت اجرای پروژه ۶ ماه شمسی می باشد.

▶ ارائه ضمانت نامه بانکی به میزان ۵.۷۷۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال در وجه شهرداری بم به عنوان سپرده شرکت در مناقصه الزامی می باشد.

▶ شهرداری در رد یا قبول هریک از پیشنهادات مختار است.

▶ سایر اطلاعات و جزئیات مربوط به مناقصه در اسناد مندرج است.

▶ تاریخ انتشار مناقصه در سامانه تاریخ ۱۴۰۲/۰۹/۲۵ می باشد.

▶ مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: ساعت ۱۹:۰۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۳۰

▶ مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: ساعت ۱۹:۰۰ مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۱۰

▶ زمان بازگشایی پاکت ها: ساعت ۱۰:۰۰ مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۱۳

▶ محل تحویل پاکت الف، دبیر خانه حراست شهرداری بم می باشد.

▶ اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت های الف

آدرس: بم بلوار شهید رجایی سایت اداری - شهرداری بم امور قراردادها - تلفن: ۰۳۴-۴۴۳۴۵۲۱۴

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۰۲۱-۴۱۹۱۳۴ دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷

تاریخ نوبت چاپ اول: ۱۴۰۲/۰۹/۲۳  
تاریخ چاپ نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰

### خبرسازان



## ۲ هزار کارگر سوخته

رئیس انجمن حمایت از بیماران سوخته (ققنوس) با اشاره به اینکه سوختگی الکتریکی اغلب در بین کارگران ساختمانی شایع است، گفت: «سالانه حدود ۲ هزار کارگر دچار این نوع سوختگی می شوند.» محمدجواد فاطمی، درباره حوادث کارگری که منجر به سوختگی می شوند به اینا گفت: «کارگران هم می شوند، هم برق گرفتگی برای آن ها اتفاق می افتد و یکی از موضوعات مهم این است که تقریباً سالی ۲ هزار کارگر دچار سوختگی الکتریکی می شوند، علت این سوختگی ها که اغلب در پروژه های ساختمانی است به این صورت است که سیم برق از محیط کاری شان رد می شود و متأسفانه عایق سازی و ایمن سازی نمی شود و حریم ها رعایت نمی شود و کارگر ممکن است در زمانی که میله داربست را در دست دارد، به این سیم های برق گیر کرده و کارگر دچار برق گرفتگی شود.» او ادامه داد: «افرادی که دچار سوختگی الکتریکی می شوند، بیشتر از ناحیه دست و پا آسیب می بینند، بررسی های ما نشان می دهد که ۶۵ درصد آنها حداقل یک عضوشان را از دست داده اند یا دست یا پای شان قطع شده است. برخی از این افراد دوست یا دوست و یکپار از ار دست می دهند.»



## تهرانی ها در انتظار برف و باران

اداره کل هواشناسی استان تهران با اشاره به تداوم آلودگی هوای تهران طی روزهای آینده، از بارش برف و باران از عصر جمعه (اول دی ماه) خبر داد. به گزارش ایسنا، براساس بررسی نقشه های پیش یابی و تحلیل الگوهای همدیدی وضعیت جوی استان تهران تا بعدازظهر جمعه (اول دی ماه) با استقرار جوی پایدار، آسمان صاف تا قسمتی ابری و در مناطق شهری همراه با غبار محلی، انباشت آلاینده ها و کاهش کیفیت هوا پیش بینی می شود. از جمعه بعدازظهر تا اواخر وقت یکشنبه (۱ تا ۳ دی ماه) با نفوذ سامانه بارشی، آسمان نیمه ابری تا ابری، در بعضی ساعات همراه با بارش باران و وزش باد در ارتفاعات بارش برف و باران و مه مورد انتظار است. براساس این گزارش، آسمان تهران امروز (۳۰ آذرماه) صاف و همراه با غبار محلی با حداقل دمای ۳ و حداکثر دمای ۱۲ درجه سانتی گراد و طی جمعه (اول دی ماه) کمی ابری، همراه با غبار محلی و بعدازظهر افزایش بار و وزش باد، گاهی بارش پراکنده با حداقل دمای ۵ و حداکثر دمای ۱۲ درجه سانتی گراد پیش بینی می شود.



## آزادی ۵ هزار و ۶۰۵ زندانی غیر عمد

با تلاش خیران از ابتدای فروردین ماه تا پایان آبان ماه سال جاری تعداد ۵ هزار و ۶۰۵ زندانی بدهکار مالی و محکوم به پرداخت دیات غیرعمد بهمت ستاد مردمی دیه از بند رهایی یافته اند. اسدالله جولایی، مؤسس و رئیس هیئت امناه ستاد دیه گفت: «در هشت ماهه نخست سال، ۲۵۶ زن و ۵۲۴۹ مرد که بابت ارتکاب جرائم غیرعمد و متحمل شدن به پرداخت خسارات جانی و مالی ناشی از وقوع تصادفات رانندگی یا سوانح کارگاهی با رقم بدهی بالغ بر ۷ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان روانه زندان ها شده بودند از بند آزاد شدند که این آمار در مقایسه با تعداد آزادی های صورت گرفته در هشت ماهه سال ۱۴۰۱ رشد ۱۸ درصدی دارد.» براساس اعلام او، نمایندگی ستاد دیه اصفهان با تکیه بر کمک های نوع دوستانه مردمی، ضمن آزادی ۲۴۷ زندانی جرائم غیرعمد طی هشت ماهه امسال در رأس فهرست آزادی ها قرار دارد.

## علیرضا ریاضی - شهردار بم